

رجعت و رجعت کنندگان به استناد احادیث و روایات

شمسی واقف زاده

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین - پیشوا، ایران.

shvaghefzadeh@yahoo.com

اکرم حکم آبادی

طلبه سطح ۳، حوزه علمیه فاطمه الزهرا، پیشوا.

چکیده

رجعت واقعه ای حکیمانه و هدفمند است که هماهنگ با عقل و ایمان و در راستای تحقق اراده پروردگار و خواست مؤمنان، صورت می پذیرد. خداوند مؤمنان خالص را وعده حاکمیت بر جهان داده است و این مهم بدون بازگشت آنها به دنیا عملی نمی گردد. رجعت عمومیت ندارد، بلکه اختصاص به بندگان دارد که ایمان یا شرک خود را خالص کرده باشند؛ رجعت مؤمنان اختیاری است اما رجعت کفار با ذلت و اجبار است.

کلید واژه ها: رجعت، رجعت کنندگان، احادیث.

مقدمه

خداوند در هنگام ظهور امام زمان (عج) گروهی از مؤمنان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گرداند تا به پاداش یاری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس برسند و نیز گروهی از دشمنان ایشان را باز می گرداند تا از آنان انتقام گیرد. مسئله رجعت از مباحث مهم اسلامی است که آیات و روایات فراوانی را به خود اختصاص داده است، از آن جایی که در رجعت شخصیت های مهم و خاص که دارای ایمان و کفر خالص بوده اند به دنیا باز می گردند و همچنین در آن زمان رویارویی معصومین علیهم السلام با دشمنانشان اتفاق خواهد افتاد و وعده خداوند محقق خواهد شد و حق بر باطل غلبه خواهد کرد و اولیاء خدا حاکمان زمین خواهند شد، این واقعه از وقایع مهم و خاص به شمار می آید.

معنای لغوی رجعت

در معنای لغوی رجعت، آمده است: «فَلَانٌ يُؤْمِنُ بِالرَّجْعَةِ إِي بِالرُّجُوعِ إِلَى الدُّنْيَا بَعْدَ المَوْتِ؛ فَلَانِي بِهِ رَجْعَتِ ائِمَّانِ دَارِدْ؛ يَعْنِي بِهِ بَازْگِشْتِ بِهِ دُنْيَايِ پَسِ از مَرگِ ائِمَّانِ دَارِدْ.» (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۱۱۶/۳) صاحب مصباح المنیر می نویسد: «الرَّجْعَةُ بِالْفَتْحِ بِمَعْنَى الرُّجُوعِ، وَ فَلَانٌ يَوْمِنُ "بِالرَّجْعَةِ" أَيْ بِالْعُودِ إِلَى الدُّنْيَا؛ رَجْعَتٌ بِهِ - فَتْحٌ رَاءَ - بِهِ مَعْنَى بَازْگِشْتِ مِي بَاشَدُ وَ فَلَانِي بِهِ رَجْعَتِ ائِمَّانِ دَارِدْ؛ يَعْنِي بِهِ بَازْگِشْتِ بِهِ دُنْيَا.» (فیومی، ۱۴۱۴: ذیل ماده رجع)

در تاج العروس آمده است: «الرَّجْعَةُ، المَرَّةُ مِنَ الرُّجُوعِ رَجْعَتٌ، يَكُ بارِ بَازْگِشْتِ مِي بَاشَد.» (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۵۶/۱۱)

در مفردات آمده است: «رُجُوعٌ: بَازْگِشْتِ بِهِ آنِ چِه آغازِ اَز آنِ بُوَدِه یا تَقْدِيرِ آغازِ بُوَدِه، چِه از نَظَرِ مَكانِ یا کَارِ یا سَخنِ، چِه بِهِ ذَاتِ آنِ بَاشَدِ یا بِهِ جِزئِي اَز اجزایِ آنِ یا بِهِ کَاری اَز کَارهایِ آنِ پَسِ رُجُوعِ، بَازْگِشْتِي را گُویند کِه هِم در طَلاقِ بِهِ کَارِ مِي رُودِ وَ هِم در بَازْگِشْتِ بِهِ دُنْيَا بَعْدِ از مَرْدنِ. از ائِمَّانِ رُودِ کِه مِي گُویند فَلَانِي بِهِ رَجْعَتِ ائِمَّانِ دَارِدْ.» (راغب اصفهانی، ۱۳۹۲: ذیل ماده رجع)

رجعت در معنای اصطلاحی

شیخ مفید در تعریف رجعت آورده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرُدُّ قَوْمًا مِنَ الْأَمْوَاتِ إِلَى الدُّنْيَا فِي صُورِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا، فَيَعِزُّ مِنْهُمْ فَرِيقًا، وَ يُذِلُّ فَرِيقًا، وَ يُدِيلُ الْمُحِقِّينَ مِنَ الْمُبْطِلِينَ، وَ الْمَظْلُومِينَ مِنْهُمْ عَنِ الظَّالِمِينَ، وَ ذَلِكُ عِنْدَ قِيَامِ مَهْدِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ...؛ خَدَاوندِ گِروهي اَز مَرْدگانِ را بِهِ هِمَّانِ صُورَتِ هَایی کِه در گِزشتِه بُوَدند، بِهِ دُنْيَا بَر مِي گِرداند. پَسِ گِروهي را عَزیزِ وَ دِستِه دِیگرِ را ذَلیلِ مِي کَندِ واهلِ حَقِّ را بَراهلِ باطلِ غلبه وَ نَصرتِ دَاده وَ مَظْلومانِ را بَر ظالمانِ وَ سَتمگرانِ پیروزی مِي بَخشد. ائِمَّانِ واقِعِه، هِنگامِ ظُهورِ مَهدي آلِ مُحَمَّدِ خَواهدِ بُوَد...» (سلیمیان، بی تا: ۳۰)

سید مرتضی می فرماید: «اعلم، أَنَّ الَّذِي تَذَهَبُ الشَّيْعَةُ الْإِمَامِيَّةُ إِلَيْهِ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَعِيدُ عِنْدَ ظُهورِ إِمَامِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ قَوْمًا مِمَّنْ كَانُوا قَدْ تَقَدَّمُوا مَوْتَهُ مِنْ شَيْعَتِهِ؛ لِيَفُوزُوا بِثَوَابِ نَصْرَتِهِ، وَ مَعُونَتِهِ وَ مَشَاهِدَةِ دَوْلَتِهِ، وَ يَعِيدُ أَيْضًا قَوْمًا مِنْ أَعْدَائِهِ؛ لِيَنْتَقِمَ مِنْهُمْ؛ فليَتَلَذَّوا بِمَا يَشَاهِدُونَ مِنْ ظُهورِ الْحَقِّ وَ عِلْوِ كَلِمَةِ اَهْلِ بَدَانِ، عَقِيدَةِ شَيْعَةٍ چنينِ اسْتِ كِه خَدَاوندِ دَرهنگامِ ظُهورِ ائِمَّانِ زَمَانِ عَجَلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ گِروهي اَز شَيْعِيانِ را کِه پِيشِ از قِيَامِ آنِ حَضرتِ اَز دُنْيَا رَفْتِه اَند، بِهِ دُنْيَا بَاز مِي گِرداند تا اَنانِ بِهِ پاداشِ ياریِ وَ هِمراهیِ وَ دَرکِ حَکومتِ آنِ وَ جُودِ مَقَدسِ بَرسند وَ نيزِ گِروهي اَز دِشمنانِ ائِشانِ را بَاز مِي گِرداند تا اَز اَنانِ اِنْتقامِ گِيرد. پَسِ اَنانِ اَز مَشاهِدِه اَشکارِ شَدنِ حَقِّ وَ عِلوِ سَخنِ (پیروزیِ ائِمَّانِ) پیروانِ آنِ لَذتِ مِي بَرند.» (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۱۲۵/۱)

را بیافریند و به او حیات دهد و در قیامت برانگیزاند تا به اعمال او رسیدگی کند، توان آن را دارد که پیش از قیامت هم، او را به دنیا بازگرداند و این رستاخیز را که از مظاهر شکوهمند قدرت اوست تحقق بخشد. (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۹)

امام محمد باقر (ع) در پاسخ ابی الصباح که درباره رجعت سؤال کرد فرمودند: «تلك القدرة. این قدرت خداوند است.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲/۵۳) سید مرتضی علم الهدی رحمه الله در این باره می نویسد: «هیچ شبهه ای بر عاقلی وجود ندارد که بازگشت اموات برای خداوند مقدور است و ذاتا محال نمی باشد.» (علم الهدی، ۱۴۰۵: ۱/۱۲۵)

زمان رجعت

از روایات معصومان (ع) استفاده می شود که رجعت، هم زمان با ظهور حضرت مهدی (عج) صورت می گیرد و همانند برخی حوادث دیگر، جزو معجزات به شمار می آید. زنده شدن مردگان و بیرون آمدن از قبرها در حالی که سر و رویشان را غبار و خاک گرفته و آنان خاک را از سر می افشانند، حالتی است که مردم آن را مشاهده نکرده اند و در آن روز خواهند دید.

در روایتی از امام صادق (ع) می خوانیم: «... وَاذَا آن قِيَامُهُ مُطِرَ النَّاسَ جَمَادَى الْآخِرَةَ وَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ مَطْرًا لَمْ يَرَ الْخَلَائِقُ مِثْلَهُ ، فَيَنْبِتُ اللَّهُ بِهِ لِحُومَ الْمُؤْمِنِينَ وَ أَبْدَانَهُمْ فِي قُبُورِهِمْ، وَ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مُقْبِلِينَ مِنْ قَبْلِ جِهِنَةَ يَنْفُضُونَ شَعْوَتَهُمْ مِنَ التُّرَابِ؛ هُنَّكَامِي كَهَ زَمَانِ ظُهُورِ، قَائِمِ عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجِهِ بَرَسِدِ، فِي مَادَةِ جَمَادَى الْآخِرِ وَ دَهَ رَوْزِ مِنْ رَجَبِ بَارَانِي بِرِ مَرْدَمِ مِي بَارِدِ كَهَ نَظِيرِ آن رَا پِيشِ تَرِ نَدِيدِهِ بُوَدَنْدِ وَ بَهَ وَاسَطَهْ آن بَارَانِ ، خَدَاوَنْدِ كُوشْتِ بَدَنِ هَايِ مَوْمِنَانِ رَا مِي رُوِيَانْدِ وَ كُويَا آنَانِ رَا مِي بِينِمِ كَهَ از اطرافِ جِهِنَه مِي آيَنْدِ، فِي حَالَتِي كَهَ خَاكِ هَايِ رُويِ سَرِشَانِ رَامِي تَكَاَنْدِ.» (سليمان، بی تا: ۵۳)

برخی از روایات تصریح دارند که زمان رجعت نیز همانند زمان ظهور نامشخص است و تنها خداوند از آن خبر دارد. علی بن ابراهیم قمی می نویسد: «فَلَمَّا أَخْبَرَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ مَا يَكُونُ مِنَ الرَّجْعَةِ قَالُوا: مَتَى يَكُونُ هَذَا؟ قَالَ اللَّهُ: X قُلْ إِنَّ أَدْرِي أَقْرَبُ مَا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا وَ قَتِي رَسُولُ خَدَا (صَلِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) مَرْدَمِ رَا از رَجْعَتِ آگَاهِ كَرْدِ پَرَسِيدَنْدِ فِي چَه زَمَانِي رِخِ مِي دَهْدِ؟ خَدَاوَنْدِ بَهَ رَسُولِشِ فَرَمُودِ: بَگو - ای مُحَمَّد - نَمِي دَانَمِ آنچَه بَهَ شَمَا وَعَدَه دَادَه شُدَه نَزْدِيكِ اسْتِ يَا آنكَه پَرُورْدِگَارَمِ مَدْتِي بَرَايِ آن قَرَارِ دَادَه اسْت.» (قمی، ۱۴۰۴: ۲/۳۹۱)

ویژگی های رجعت

رجعت ویژگی های مختلفی دارد که در اینجا به چند مورد آن اشاره می شود.

۱. قطعیت: وعده های الهی تخلف ناپذیرند و به طور قطع تحقق می یابند چه اینکه قرآن کریم می فرماید: X إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ B [هرگز خداوند نقض وعده خویش نخواهد کرد.] (آل عمران: ۹)

خداوند به مؤمنان وعده پیروزی و حاکمیت جهانی داده است: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنان را به طور قطع حاکم روی زمین قرار دهد.» (نور: ۵۵)

و در آیه دیگر می فرماید: «همانا ما فرستادگان خود و کسانی که ایمان آورده اند را در زندگی دنیا و روزی که شاهدان به یا می خیزند یاری می کنیم.» (غافر: ۵۱)

وامام صادق (ع) فرمود: «والله لا تذهب الايام و الليالي حتى يحيى الله الموتى و يميت الاحياء , ويرد الله الحق الى اهله و يقسم دينه الذي ارتضاه لنفسه و نبيه, فأبشروا, ثم أبشروا فوالله ما الحق إلا في أيديكم؛ به خدا قسم روزها و شبها به پایان نمی رسد تا اینکه خداوند مردگان را زنده کند و زنده ها را بمیراند و خداوند حق را به اهلس بازگرداند و دینی را که مورد رضایت خود و رسولش می باشد به پا دارد. پس بشارت باد بر شما به خدا قسم که حق جز در دست های شما نمی باشد.» (کلینی، ۱۳۶۳: ۵۳۸/۳)

۲. اختیار: بازگشت مؤمنان به دنیا یک امر اختیاری است؛ زیرا رجعت یک لطف الهی می باشد که خداوند به دارندگان ایمان های خالص اختصاص می دهد و پذیرش لطف، اجباری نیست.

مفضل بن عمر گوید: «ذكرنا القائم عليه السلام و من مات من اصحابنا ينتظره. فقال لنا ابو عبدالله عليه السلام: اذا قام اتى المؤمن في قبره فيقال له: يا هذا إنه قد ظهر صاحبك؛ فان تشأ أن تلحق به فالحق، و إن تشأ أن تقيم في كرامه ربك فأقم؛ در محضر امام صادق (علیه السلام) درباره قائم علیه السلام و کسی که در انتظار او می باشد و از دنیا می رود سخن به میان آوردیم، حضرت فرمود: وقتی قائم قیام کند در قبر مؤمن به او گفته می شود: صاحب تو ظهور کرده است اگر می خواهی به او پیوندی؛ پیوند و اگر هم می خواهی در کرامت پروردگارت بمانی بمان.» (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹)

البته آمدن مؤمنان اختیاری است اما آمدن کفار بر اساس ذلت و اجبار است. آنها خود نمی آیند بلکه آنان را از سر اکراه می آوردند تا به برخی از عواقب اعمال دنیوی خود برسند و کسی توان سرپیچی ندارد.

۳. محدودیت: ویژگی دیگر رجعت، محدودیت رجعت کنندگان است. تنها کسانی باز می گردند که به ایمان خالص و یا شرک خالص رسیده باشند. اما دلیل محدودیت بازگشت کنندگان روایاتی است که در این باره وارد شده است.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ان الرجعة ليست بعامه و هي خاصة، لا يرجع الا من محض الايمان محضاً او محض الشرك محضاً؛ رجعت عمومیت ندارد و خاص می باشد. کسی به دنیا باز نمی گردد مگر اینکه ایمان یا شرک خود را خالص کرده باشد.» (الحلی، ۱۳۷۰: ۳۴)

اهداف رجعت

رجعت یک واقعه حکیمانه و هدفمند است و هدف آن هماهنگ با عقل و ایمان و در راستای تحقق اراده پروردگار عالم و خواست مؤمنان می باشد که ما این اهداف را با تکیه بر آیات قرآن مورد بحث قرار می دهیم.

۱. تحقق وعده حاکمیت مؤمنان بر زمین: مهم ترین هدف رجعت تحقق وعده پروردگار عالم به اهل ایمان است که آنها را حاکم جهان گرداند و اسلام را به دست آنان بر پهنه زمین به اجرا در آورد. خدای متعال به آنان که به ایمان خالص دست یافته اند وعده حاکمیت بر جهان را داده است و این مهم بدون بازگشت آنها به دنیا عملی نمی باشد. بنابراین هدف اعلاى رجعت وفای پروردگار عالم به عهد حاکمیت جهانی مؤمنان است که قرآن این گونه از آن یاد کرده است. (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۶۶) X وعده الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امانا یعبءوننی لا یشرکون بی شیئاً و من کفر بعد ذلك فأولئک هم الفاسقون B [خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند وعده داده است که آنان را به طور قطع حاکم روی زمین قرار دهد، همان گونه که به پیشینیان آنها حاکمیت داد و دینی را که برای آنها پسندیده است پابرجا و مستقر خواهد کرد و ترس آنها را به امنیت مبدل می سازد به گونه ای که تنها مرا بپرستید و چیزی را شریک من قرار ندهند و کسانی که پس از آن کافر شوند آنها فاسقانند.] (نور: ۵۵)

۲. عذاب کفار: هدف از رجعت کسانی که به شرک و کفر خالص دست یافته اند عذاب آنهاست که مورد انتقام، ذلت و اجرای حدود الهی قرار می گیرند. انسان های بسیار پلید جز برای عذاب الهی به دنیا باز نمی گردند و نوع عذاب آنها به گونه ای است که در آخرت ممکن نمی باشد؛ از این رو باز می گردند تا در ظرف دنیا به این نوع از عقاب که موجب تنوع و کمال عذاب آنهاست واصل شوند و طعم تلخ عقاب الهی به ویژه ذلت و خواری را در همان خانه دنیا که در آن به تکذیب آیات حق پرداختند و حدود خداوند را زیر پا گذاردند احساس کنند و با یک مرگ همراه با ذلت، دنیا را ترک گویند تا خاطره خوش لذت های نفسانی دنیا که در زمان حیاتشان به آن دست یافتند از میان برود. امام کاظم (ع) فرمود: «لترجعن نفوس ذهبت ولیقتصن یوم یقوم و من عذب یقتص بعذابه و من اغیظ اغاظ بغیظه و من اقتص بقتله و یرد لهم أعدائهم معهم حتی يأخذوا بثأرهم؛ همانا عده ای از انسان ها که مرده اند باز می گردند و در روزی که قائم قیام می کند دشمنان خود را مورد قصاص قرار می دهند. کسی که عذاب شده است عذاب کننده خود را، کسی که مورد خشم قرار گرفته است به خشم آوردنده خود را

و کسی که کشته شده است قاتل خود را قصاص می کند و دشمنان آنها باز گردانده می شوند تا مؤمنان انتقام خون خود را بگیرند.» (حلی، ۱۳۷۰: ۲۸)

امام صادق (ع) فرمود: «اذا قام قائمنا ردَّ اللهُ كُلَّ مُؤَدِّ لِلْمُؤْمِنِينَ فِي زَمَانِهِ فِي الصُّورَةِ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا وَ فِيهَا بَيْنَ أَظْهُرِهِمْ، لِيَنْصِفَ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ؛ وَ قَتَى قَائِمٌ مَا قِيَامٌ كُنْدَ خِدَاوَنَدٍ هَرَّآزَارٍ دَهْنَدَه بَه مُؤْمِنِينَ رَا بَه هِمَانِ صَوْرَتِي كَه دَر زَمَانِ حَيَاتِ خُودِ بُوْدَه وَ دَر مِيَانِ مَرْدَمِ حُضُورِ دَاشْتَه اسْتِ رَا بَه دُنْيَا بَاز مِي گِرْدَانَد تَا مُؤْمِنَانِ حَقِّ خُودِ رَا اَز اَنهَابِ بَاز گِيرِنَد.» (طبرسی، ۱۴۱۳: ۴۶۴)

و در حدیث دیگری فرمود: «أَنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرَهُ إِلَى الدُّنْيَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَصْحَابُهُ وَ يَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابُهُ، فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوَ الْقَدَّةِ بِالْقَدَّةِ؛ أَوَّلِينَ كَسَى كَه بَه دُنْيَا بَاز مِي گِرْدَد حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ وَ يَارَانِ اُو وَ يَزِيدِ بْنِ مَعَاوِيَةَ وَ يَارَانِ اُوسْتِ پَس بَدُونِ كَم وَ كَاسْتِ اَنهَابِ رَا بَه قَتْلِ مِي رَسَانَد.» (العیاشی، ۱۳۷۹: ۲۸۲/۲)

اهداف دیگری را نیز نظیر کسب کمال، شادمانی و کسب صواب، اقامه حدود و قصاص بر زمین مانده، ایجاد روحیه استقامت برای مؤمنان و... بیان کرده اند.

تفاوت رجعت با ظهور حضرت مهدی (ع)

ظهور و قیام حضرت مهدی (ع) آخرین حلقه مبارزه حق و باطل است که از آغاز زندگی بشر در این کره خاکی به پا بوده و با ظهور آن حضرت این حلقه کامل شده و رهبران کفر و پیشوایان باطل نابود شده و زمین از وجود آنها پاک می شود. مهدی موعود (ع) در واقع رهرو ایده آل همه پیامبران و اولیای الهی و مردان مبارز راه حق و حقیقت است که با ظهور آن حضرت این مبارزه به کمال نهایی می رسد و بساط ظلم و بی عدالتی از جهان برچیده شده و تلاش و زحمات مردان الهی در طول تاریخ به بار می نشیند.

اما رجعت عبارت است از برگشت گروهی از مؤمنان خالص و گروهی از سردمداران کفر و شرک که از دنیا رفته اند، گروه اول با دیدن ثمرات، تلاش های شان و تحقق وعده های الهی لذت برده و به عزت نایل شوند و گروه دوم علی رغم خواسته و تلاش های شان با دیدن تحقق حکومت عدل جهانی به ذلت و خواری گرفتار آیند.

بنابراین تفاوت رجعت با ظهور حضرت مهدی (ع) را می شود چنین خلاصه کرد:

۱. ظهور مهدی (ع) برای برچیده شدن ظلم و ستم است. اما رجعت برای دیدن برچیده شدن ظلم

وستم.

۲. حضرت مهدی (ع) که در سال ۲۵۵ هـ.ق چشم به جهان گشوده و تا به حال زنده است، پس از غیبت طولانی، برای تشکیل حکومت جهانی به اذن خداوند ظهور می کند. اما رجعت کنندگان، همه از دنیا رفته اند و به اذن خداوند سر از قبرها بیرون آورده و زنده می شوند. در واقع رجعت، محشر صغری و نمایشی از محشر کبری است.

۳. با ظهور حضرت مهدی و تشکیل حکومت عدل جهانی، یکی از اهداف رجعت که عزت اسلام و مسلمین و ذلت و خواری کفار و منافقین است محقق می شود.

۴. با ظهور حضرت مهدی (ع) دادگاه های رسیدگی به جنایات و تظلماتی که بر رجعت کنندگان صالح رفته است تشکیل می شود و ستمگران تاریخ در حد امکان در همین دنیا به کیفر اعمالشان رسیده، حدود و قصاص تعطیل شده الهی اجرا می شود.

شباهت رجعت با ظهور حضرت مهدی (ع)

همان گونه که رجعت تفاوت هایی با ظهور حضرت مهدی (ع) داشت، شباهت هایی نیز دارد، چنان که این دو روز، با روز قیامت و حشر کبری هم سنخیت و شباهت دارد؛ زیرا در این سه روز آیات الهی و حقایق این عالم با اختلاف مراتب، ظهور و بروز خواهد کرد. همین معنا باعث شده است که ائمه اطهار علیهم السلام بعضی از آیات را به این سه روز تفسیر و تطبیق کنند.

در عصر ظهور حضرت مهدی (ع) وسایل و ابزار مادی متحول شده و بخشی از جهان غیبت به ظهور پیوسته و عقل بشر به برکت حضور معصوم (ع) تکامل می یابد و علوم بشری به نهایت پیشرفت خود نایل شده و در خدمت سعادت او قرار می گیرد. تمام نا امنی ها و بی عدالتی ها از زندگی او رخت بر بسته و احکام الهی جهان گیر شده و در تمام شئون زندگی بشر حاکم می شود. پس از استقرار حکومت حضرت مهدی (ع) حکومت رسول اکرم (ص) و ائمه اهل بیت علیهم السلام که رجعت نموده اند یکی پس از دیگری آغاز می شود. در واقع با ظهور و استقرار حکومت حضرت مهدی (ع) زمینه حکومت های پس از رجعت فراهم می شود. حکومت های عصر رجعت مرحله پایانی و کمال جهان مادی است که جهان به سوی شهود غیب و کشف تمام حقایق حرکت نمود تا این قیامت برپا شود. هر چند ظهور حقایق و عبادت خالصانه ی خداوند، در هنگام ظهور به روز رجعت نمی رسد. اما حقیقت روز رجعت، عبارت است از روزی که خدای سبحان در آن نافرمانی نمی شود، بلکه خالصانه مورد عبادت و پرستش قرار می گیرد و بساط شیطنت شیطان از روی زمین برچیده و بسیاری از حقایق عالم ظاهر آشکار شده، بعضی از مردگان که در خوبی یا بدی برجسته و سرسلسله خوبان و یا بدان

بوده اند زنده شده به دنیا بر می گردند تا این که میان حق و باطل حکم شود و هرکس نتایج دنیایی اعمالش را در حد امکان دریافت کند.

علامه طباطبایی در این باره می نویسد: «انَّ الرَّجْعَةَ مِنْ مَرَاتِبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنْ كَانَ دُونَهُ فِي الظُّهُورِ؛ لِإِمْكَانِ الشَّرِّ وَالْفَسَادِ فِيهِ فِي الْجَمَلَةِ دُونَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ وَلِذَلِكَ رُبَّمَا أُلْحِقَ بِهِ يَوْمُ الظُّهُورِ الْمَهْدَى عَجَلِ اللَّهِ تَعَالَى فَرَجَهُ أَيْضاً؛ لظُهُورِ الْحَقِّ فِيهِ تَمَامَ الظُّهُورِ وَ إِنْ كَانَ هُوَ أَيْضاً دُونَ الرَّجْعَةِ؛ رَجَعَتْ. از مراتب روز قیامت می باشد؛ اگر چه درکشف و ظهور پایین تر از روز قیامت است و دلیل پایین تر بودن آن از قیامت، فی الجمله امکان راه یافتن فساد و شر در آن است، به خلاف قیامت [که هیچ گونه فساد و شری در آن راه نخواهد یافت] و به همین دلیل، روز ظهور حضرت مهدی (عج) فرجه نیز گاه به قیامت ملحق شده، به خاطر ظهور و غلبه تامه حق؛ اگر چه روز ظهور حضرت نیز پایین تر از روز رجعت است.» (طباطبایی، ۱۳۶۵: ۱۰۹/۲ و ۶۳/۳)

این سه روز، از اسرار عالم غیب است که در آینده محقق می شود. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۶۳/۵۳ و ۶۱/۷) و بسیاری از ویژگی های آن الآن برای ما قابل درک نیست. لذا از ائمه اهل بیت علیهم السلام روایت شده؛ روزهای خدا سه روز است، روز ظهور مهدی علیه السلام روز برگشتن و روز قیامت. (طاهری ورسی، ۱۳۸۴: ۲۰۵-۲۰۲)

رجعت کنندگان

در رجعت گروهی از افراد باز می گردند نه همه افراد، همان گونه که خدا در قرآن فرمود: X وَيَوْمَ نَخْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا B [روزی که از هر امتی گروهی را بر می انگیزیم] اما این گروه چه کسانی خواهند بود؟ امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ الرَّجْعَةَ لِيَسْتَبَعَامَهُ وَ هِيَ خَاصَةٌ لِأَيُّرُجِجٍ إِلَّا مِنْ مُحَضِّ الْأِيْمَانِ مُحَضًّا أَوْ مُحَضِّ الشَّرِكِ مُحَضًّا» [همانا رجعت عمومی نخواهد بود بلکه گروه خاصی، مؤمنان خالص و مشرکان خالص در رجعت بر می گردند.] (حسینی بحرانی، بی تا: ۴۰۸/۲)

اولین رجعت کننده: امام صادق (ع) فرمود که: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرُؤُ إِلَى الدُّنْيَا الْحَسِينُ بْنُ عَلِيٍّ وَ أَصْحَابُهُ، وَ يَزِيدُ بْنُ مَعَاوِيَةَ وَ أَصْحَابُهُ، فَيَقْتُلُهُمْ حَذْوَالْقُدَّةِ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمْ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَ أَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ جَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَضِيرًا» [همانا اولین کسی که به دنیا بر می گردد، حسین بن علی علیه السلام و یاران آن حضرت هستند و نیز یزید بن معاویه و اصحاب او که حضرت آنها را یک به یک به هلاکت خواهد رساند.] سپس امام صادق (ع) این آیه را تلاوت فرمودند: «آنگاه شما را به سوی آنها گردانیم و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان نیرومند مدد بخشیم و عده شما را بسیار گردانیم.» (العباشی، ۱۳۷۹: ۲۸۲/۲)

مدت توقف امام حسین (ع) در رجعت: امام صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ يَكْرُ فِي الرَّجْعَةِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَ يَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ سَنَةً حَتَّى يَقْسُطَ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ» [همانا اولین کسی که قیام می کند در رجعت حسین بن علی علیه السلام است و توقف می کند در زمین ۴۰ سال تا اینکه موی ابروانش بر روی چشمانش می افتد.] (شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۴۶۲/۲)

بازگشت امیر مؤمنان (ع) به دنیا: یکی از مهمترین رجعت هایی که اتفاق خواهد افتاد رجعت امیر المؤمنین علیه السلام است. او به دنیا باز می گردد تا آنچه را خداوند برای آن حضرت اراده کرده است به اجرا درآورد. در روایات آمده است که رجعت ایشان پس از رجعت امام حسین (ع) می باشد. چنان چه حضرت امام صادق (ع) در ذیل این آیات X: *يَوْمَ تَرْجَفُ الرَّاجِفَةُ تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ B* [آن روز که لرزاننده بلرزانند و به دنبال آن، لرزه دیگر آید.] (نازعات: ۶-۷) فرمود: *الرَّاجِفَةُ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الرَّادِفَةُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (ع)؛ رَاجِفَهُ حُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَ رَادِفَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ* است. (الکوفی، ۱۴۱۰: ۵۳۷)

تعداد رجعت های امیر المؤمنین (ع): رجعت امیر المؤمنین (ع) بیش از یک بار است چه اینکه خود فرمود: «إِنَّ لِي الْكُرَّةَ بَعْدَ الْكُرَّةِ وَ الرَّجْعَةَ وَ أَنَا صَاحِبُ الرَّجْعَاتِ وَ الْكُرَّاتِ» [من دارای رجعت پس از رجعت و بازگشت پس از بازگشت هستم؛ من رجعت ها و بازگشت ها دارم.] (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۹۷/۱)

دابه الارض [جنبنده زمین]: X: *وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ B* [و چون فرمان [عذاب] بر آنان قرار گیرد، جنبنده ای را از زمین بیرون می آوریم تا با آنان تکلم کند که: مردم به آیات ما ایمان نمی آوردند!] (نمل: ۸۲)

در تفسیر مجمع البیان از امیر المؤمنان علی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود که خود اوست صاحب عصا و نشان گذار. (طبرسی، ۱۴۱۵: ۲۳۴/۷)

و در حدیثی آمده است که حضرت علی (ع) فرمودند: «أَنَا دَابَّةُ الْأَرْضِ» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق: ۲۹۷/۲)

رجعت پیامبر و ائمه علیهم السلام: امام صادق (ع) می فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا...» [از شیعیان] ما نسبت کسی که ایمان به بازگشت ما نداشته باشد... [شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۴۵۸/۳]

در تفسیر قمی با ذکر سند، از ابو خالد کابلی از امام سجاد (ع) نقل شده است که درباره قول خداوند: X: *إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُكَ إِلَيَّ مَعَادٍ B* (قصص: ۸۵) فرمود: «يَرْجِعُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَامِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَالْأئِمَّةُ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ؛ يَمِيرَتَانِ وَامِيرَ الْمُؤْمِنَانَ عَلِيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أئِمَّةَ مَعْصُومَانَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بِه سَوِي شَمَا بَاز مِي گَرَدَنَد.» (قمی، ۱۴۰۴: ۲۴/۲)

رجعت جمعی از اصحاب پیامبر (ص): از بررسی اخبار رجعت استفاده می شود که دو گروه از اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله رجعت می کنند:

۱. گروهی که بر آل محمد صلی الله علیه وآله ستم کردند و حق را از مجرای خود بیرون کردند و هزاران سال آثار ستم آنها جهان را برای مؤمنان تیره و تار و ناخوشایند ساخت، آنها بر می گردند تا حساب پس بدهند و در محکمه عادلانه دولت حقه به سزای اعمال خود برسند، از کسانی که در این رابطه به اسم آمده است: قنفذ و مولایش می باشد که: هردو آورده می شوند و به عنوان قاتلان محسن فاطمه سلام الله علیهما محاکمه و به دار آویخته می شوند. (ابن قولویه، ۱۴۱۷: ۳۳۴؛ طبری، ۱۴۱۳: ۲۹۷)

عبدالرحیم قصیر می گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: «وقتی قائم ما قیام کند، حمیراء (عایشه) برگردانده می شود تا آن حضرت بر او حد جاری کند و انتقام فاطمه سلام الله علیها، دختر محمد صلی الله علیه وآله را از او بگیرد.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۰/۵۳)

۲. گروهی از اصحاب باوفای رسول اکرم صلی الله علیه وآله و یاران و شیعیان باصفای امیر المؤمنان سلام الله علیها که در طریق ولایت ثابت قدم ماندند و هرگز منحرف نشدند که اسامی تعدادی از آنها در احادیث آمده است و به برخی از آنها در اینجا اشاره می کنیم: سلمان فارسی، مقداد، جابر بن عبدالله انصاری، ابودجانہ ی انصاری، مفضل بن عمر، مالک اشتر، حران بن اعین و میسر بن عبدالعزیز، عبدالله بن شریک عامری، داود رقی. (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۲۳۸/۳؛ العیاشی، ۱۳۷۹ق: ۳۲/۲؛ طباطبایی، ۱۳۶۵: ۳۱۰/۱۳)

رجعت پیامبران: قرآن می فرماید: «یاد کن هنگامیکه خداوند از پیامبران پیمان استوار گرفت (وبه آنان گفت) هرگاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس پیامبری به سوی شما می آید که آنچه را با شماست تصدیق می کند، به او ایمان بیاورید و به یاری وی برخیزید! بعد به آنان گفت آیا اقرار نمودید و به آن پیمان مؤکد بستید گفتند اقرار نمودیم آن گاه گفت: پس گواه باشید و من نیز با شما از گواهانم.» (آل عمران: ۸۱)

این آیه طبق روایات اشاره به رجعت همه پیامبران الهی دارد. و زمانی تحقق می یابد که خداوند همه پیامبران و مؤمنان را برای یاری امیر المؤمنین گرد هم می آورد و پرچم رسول اکرم (ص) به دست امیر المؤمنین داده می شود و در آن روز ایشان، امیر همه مخلوقات می شود و همه خلائق در زیر پرچم او قرار می گیرند. بنابراین در روزگار رجعت همه پیامبران الهی از آدم تا خاتم باز می گردند و در برابر امیرمؤمنان شمشیر می زنند تا به عهد و میثاقی که خدا از آنها گرفته وفا نمایند. (قمی، ۱۴۰۴: ۲۴۷/۱)

از امام صادق (ع) در مورد آیه: X و $Jَعَلَكُمُ$ انبیاء و جعلکم ملوکاً B (مأئده: ۲۰) سؤال شد، امام (ع) فرمود: پیامبران، رسول الله، ابراهیم، اسماعیل و فرزندان ایشان هستند و ملوک پادشاهان، ما هستیم. عرض

کردم: «کدام ملک و پادشاهی به شما داده شده است؟» فرمود: «ملک بهشت و ملک رجعت.»
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵/۵۳)

رجعت اسماعیل صادق الوعد: در میان پیامبران عظیم الشانی که نامشان در قرآن کریم آمده است، دو تن "اسماعیل" نام دارد که یکی از آنها پسر حضرت ابراهیم قهرمان توحید، و دیگر ملقب به "صادق الوعد" است که قرآن کریم در سوره مریم از او به عنوان "صادق الوعد" یاد کرده می‌فرماید: *X* وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا *B* [در کتاب اسماعیل را یاد کن که صادق الوعد بود و از پیامبران مرسل بود.] (مریم: ۵۴) از امام صادق (ع) در این باره پرسیدند: «آیا او همان اسماعیل پسر ابراهیم است؟ مردم می‌پندارند که او همان اسماعیل پسر ابراهیم (ع) است. فرمود: اسماعیل پیش از ابراهیم درگذشت؛ و ابراهیم حاجتی بود برای خدا برپای ایستاده و دارای شریعت، بنابراین، اسماعیل به سوی چه کسی فرستاده شد؟! عرض کردم: فدایت شوم، پس او که بود؟ فرمود: او اسماعیل بن حزقیل پیامبر بود که خداوند او را به سوی قومش برانگیخت؛ اما آنان او را تکذیب نموده و کشتند و پوست صورتش را کردند. به این جهت، خدا بر آنان خشم گرفت و سظاطئیل فرشته عذاب را به سوی او فرستاد؛ او به اسماعیل گفت: «ای اسماعیل! من سظاطئیل فرشته عذاب هستم که پروردگار با عزت مرا به جانب تو فرستاده تا اگر بخواهی، قومت را به انواع عذاب گرفتار سازم!» اسماعیل گفت: «ای سظاطئیل! من نیازی به آن ندارم!» خدای تبارک و تعالی به او وحی کرد. ای اسماعیل چه حاجتی داری؟ عرض کرد: «خداوندا، تو برای ربوبیت خود، رسالت محمد صلی الله علیه وآله و ولایت اهل بیتش پیمان گرفته ای، و برگزیدگان بندگانت را آگاه ساخته ای که امت او با امام حسین چه رفتار خواهند کرد. خداوندا، تو امام حسین را وعده کرده ای که به دنیا رجعت بدهی، تا شخصا از قاتلینش انتقام بگیرد. حاجت من اینست که مرا نیز در رجعت بازگردانی. تا شخصا از کسانی که با من چنین رفتار کرده اند انتقام بگیرم. خداوند اسماعیل بن حزقیل را وعده داد که همراه امام حسین علیه السلام رجعت کند.» (ابن قولویه، ۱۴۱۷: ۶۵؛ حسینی بحرانی، بی تا: ۱۶/۳)

بر اساس این حدیث و احادیث دیگری که این معنی را تأیید می‌کنند "اسماعیل" پسر حزقیل از پیامبرانی است که در تفاسیر و کتب حدیثی تصریح شده که در رجعت باز می‌گردد و از کسانی که با او چنین رفتار فجیعی کردند انتقام می‌گیرد.

زنان رجعت کننده: اگر چه روایات رجعت، به طور معمول به زن یا مرد اختصاص ندارد و تحت عنوان مؤمن محض و کافر محض آمده روایات اندکی به رجعت بانوان اشاره کرده است. از جمله، روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام که فرمود: «یکن مع القائم ثلاث عشرة امرأةً قلت: و ما یصنع بهن؟ قال: یداوین الجرحی، و یقمن علی المرضی کماکان مع رسول الله. قلت: فسمهن لی.

قال: القنوابتُ رشيدة و أمّ أيمَن و حبابهُ الوالبيه، و سمّيهُ أمّ عمار بن ياسر، و زبيدة، و أمّ خالد الأحمسيه، و أمّ سعيد الحنفيه، و صيانه الماشطه، و أمّ خالد الجهينه؛ همراه قائم عجل الله تعالى فرجه سيزده زن خواهند بود. گفتیم: برای چه منظور؟ فرمود: آنها مجروحان را مداوا و به مریض ها رسیدگی می کنند، همان گونه که وقتی همراه پیامبر که بودند، چنین می کردند. عرض کردم: [اگر ممکن است] آنها را نام ببرید. ام سعيد حنفيه، صبانه ماشطه و ام خالد جهينه. «(الطبری، ۱۴۱۳: ۲۴۷)

رجعت مؤمنان محض و کافران محض: دسته ای از روایات، بدون اینکه مشخصاً افراد خاصی را ذکر کنند، رجعت کنندگان را تحت عنوان کلی، مؤمنان خالص و کافران خالص ذکر کرده است. صاحب تفسیر قمی می نویسد: حدثنی ابی عن ابی عمیر، عن المفضل، عن أبی عبدالله (ع) فی قوله تعالی: X وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا B (نمل: ۸۳) قال: «ليس أحد من المؤمنين قُتِلَ الا يرجع حتى يموت، و لا يرجعُ الا من محض الايمان و محض الكفر محضاً؛ مفضل از امام صادق علیه السلام درباره آیه «و آن روز که از هر امتی گروهی را محشور می گردانیم» نقل کرد که آن حضرت فرمود: هیچ مؤمنی کشته شده نیست، مگر اینکه باز می گردد تا به مرگ طبیعی از دنیا برود و [البته] بر نمی گردد، مگر مؤمنان محض و کافران محض.» (قمی، ۱۴۰۴: ۱۳۱/۲)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «ان الرجعه ليست بعامه و هي خاصة لا يرجع الا من محض الايمان محضاً أو محض الشرك محضاً؛ رجعت، عمومی نیست و فقط مؤمنان خالص و محض و نیز مشرکان محض به دنیا بر می گردند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۹/۵۳)

رجوع مؤمنان ناب و کافران خالص با خانواده ها، و پیوستن آنها به پدران و همسرانشان:

جعفر بن فضیل می گوید: به محمد بن فرات گفتیم: «اصبغ را دیده ای؟» گفت: «آری، او را همراه پدرم دیدم، پیری سپید مو و سپید محاسن و بلند قد بود. پدرم به او گفت: - از احادیثی که خودت از امیرالمؤمنین شنیده ای برایمان بگو» گفت: «از علی علیه السلام روی منبر شنیدم که فرمود: من آقای سپید مویم و با ایوب شباهتی دارم و خدا، همان طور که اهل و خانواده ی ایوب را برایش جمع کرد برای من نیز جمع خواهد کرد.» می گوید: این حدیث را من و پدرم از اصبغ بن نباته شنیدیم و طولی نکشید که بعد از آن مرد - خدایش رحمت کند.» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۷/۵۳)

رجعت عدّه ای از اولیای خدا: و در حدیثی دیگر مروی است از امام صادق (ع) که چون حضرت قائم (عج) بیرون آید از پشت کوفه با او بیست و هفت کس از مردگان که زنده شده باشند همراه باشند؛ پانزده نفر از قوم موسی که مردم را هدایت به حق می کردند و به حق عدالت می نمودند و هفت نفر اصحاب کهف و یوشع بن نون وصی موسی و سلمان فارسی و ابودجانه انصاری و مالک

اشتر، پس ایشان یاوران او و حاکمان او باشند در شهرها (العیاشی، ۱۳۷۹ق: ۳۲/۲؛ الحر
العالمی، ۱۴۲۲: ۲۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۶/۵۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۴: ۳۸۶/۲)
و همچنین منقول است که چون آن حضرت ظاهر شود به قبر هر مؤمنی ملکی بیاید و بگوید امام تو
ظاهر شده است اگر می خواهی تو را زنده گردانیم که به او ملحق شوی و اگر خواهی در نعیم
پروردگار خود بمان تا روز قیامت. (الراوندی، ۱۴۰۹: ۱۱۶۶/۳؛ الحرالعالمی، ۱۴۲۲: ۲۷۱؛ مجلسی،
۱۴۰۳: ۹۱/۵۳؛ الطوسی، ۱۴۱۱: ۴۵۹؛ النجفی، ۱۴۲۰: ۳۶)

نتیجه

بدون شک اصل حیات مجدد امری ممکن است چرا که قیامت چیزی غیر از این نیست. رجعت تشابه
زیادی با قیامت دارد به گونه ای که می توان آن را قیامت صغری نام گذارد؛ زیرا در قیامت کبری همه
انسان ها بدون استثنا زنده خواهند شد. اما در رجعت عدّه خاصی از انسان های مؤمن و انسان های
کافر زنده می شوند. در قیامت روح به جسم انسان ملحق می شود و در رجعت نیز همین تعلق مجدد
صورت می گیرد.

چنانچه امکان قیامت را با گستردگی شگفت انگیزی که دارد پذیرفته باشیم، بنابر این رجعت را که در
قیاس محدودتری قرارداد نیز پذیرفته ایم؛ زیرا همان خدایی که قادر است انسان را بی آفریند و به او
حیات بخشد و در قیامت برانگیزاند تا به اعمال او رسیدگی کند، توان آن را دارد که پیش از قیامت
هم، او را به دنیا بازگرداند و این رستاخیز را که از مظاهر شکوهمند قدرت اوست تحقق بخشد.

کتابنامه عربی

قرآن کریم.

الجوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۰۷ق). الصحاح. الطبعة الاولى. بیروت: دار العلم للملایین.
الحر العالمی، محمد بن حسن. (۱۴۲۲ق). الایفاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة. الطبعة الاولى. قم:
دلیل ما.

حسینی بحرانی، سید هاشم. (بی تا). تفسیر البرهان فی تفسیر القرآن. قم: دار الكتاب العلمیة.

الحلی، حسن بن سلیمان. (۱۳۷۰ش). مختصر بصائر الدرجات. نجف: المطبعة الحیدریة.

الراوندی، قطب الدین. (۱۴۰۹ق). الخرائج و الجرائح. قم: مؤسسه الامام المهدی (ع).

الزبیدی، محب الدین محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس. بیروت: دار الفکر.

شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام. نجف: المكتبة الحیدریة.

صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه. (۱۴۰۴ق). من لا یحضر الفقیه. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه

النشر الإسلامی.

طبرسى، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). مجمع البيان. بيروت: مؤسسة الأعلمى.

طبرى شيعى، محمد بن جرير. (۱۴۱۳ق). دلائل الإمامة. قم: مركز الطباعه و النشر. مؤسسة البعثة.

طوسى، محمد بن حسن. (۱۴۱۱ق). الغيبة. قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

_____ (۱۴۰۹ق). التبيان. قم: مكتب الإعلام الإسلامى.

علم الهدى، سيدمرتضى. (۱۴۰۵ق). رسائل الشريف المرتضى. قم: دار القرآن الكريم.

العباشى، محمد بن مسعود. (۱۳۷۹ق). تفسير العياشى. تهران: المكتبة العلمية الإسلامية.

فيض كاشانى، محسن. (۱۴۱۶). تفسير صافى. الطبعة الثانية. تهران: مكتبة الصدر.

الفيومى، احمد بن محمد بن على. (۱۴۱۴ق). المصباح المنير. الطبعة الثانية. قم: مؤسسه دارالهجره.

قى، على بن ابراهيم. (۱۴۰۴ق). تفسير قمى. الطبعة الثانية. قم: دار الكتاب.

قولويه، جعفر بن محمد. (۱۴۱۷ق). كامل الزيارات. قم: مؤسسة نشر الفقاهية.

كلينى الرازى، محمد بن يعقوب. (۱۳۶۳ش). الكافى. الطبعة الخامسة. تهران: دار الكتب الإسلامية.

الكوفى، فرات بن ابراهيم. (۱۴۱۰ق). تفسير الفرات الكوفى. تهران: مؤسسه الطبع و النشر التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى.

مجلسى، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. الطبعة الثانية. بيروت: مؤسسة الوفاء.

مفيد، محمد بن نعمان. (۱۴۱۴ق). الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد. الطبعة الثانية. بيروت: دار المفيد.

النجفى، سيد بهاء الدين. (۱۴۲۰ق). منتخب الأنوار المضيئة. قم: مؤسسه امام الهادى (ع).

کتابنامه فارسى

اکبرى، محمد رضا. (۱۳۸۷ش). عصر شکوهمند رجعت. قم: انتشارات مسجد جمکران.

حسينى بخرانى، سيد هاشم. (۱۳۷۶ش). سيماى حضرت مهدى (عج) در قرآن ترجمه: مهدى حائرى قزوینى. تهران: دفتر نشر آفاق.

راغب اصفهانى. (۱۳۹۲ق). معجم مفردات الفاظ القرآن. ترجمه سيد غلام رضا خسروى حسينى. تهران: ناشر کتابفروشى مرتضوى.

رفيعى قزوینى، ابوالحسن. (۱۳۷۶ش). مجموعه رسايل و مقالات فلسفى. تهران: الزهراء.

سليميان، خدامراد. (بى تا). بازگشت به دنيا در پايان تاريخ. قم: انتشارات انتظار نو وابسته به دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم.

طاهری ورسی، احمد علی. (۱۳۸۴ش). رجعت یا حیات دوباره از دیدگاه عقل، قرآن و روایات. قم: انتشارات مسجد جمکران.

طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۶۵ش). تفسیر المیزان. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۶۲ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامية.